# گم‌کردن سررشته یوزها

**سامان موحدی‌راد:** ماجرای بارداری ایران و بعد سرنوشت غم‌انگیز پرسش «پیروز» احتمالا یکی از بـــه خبر مهم محیط‌زیستی سال گذشـــته ایران بود. اواخر سال ۱۴۰۰ بود که در لواح بی‌خبری از یوزپلنگ‌های حفاظت از بود در ایران به یکباره خبر رسید که ایران در اسارت باردار شده است. این خبر موجی از شادی را در میان افکار عمومی ایجاد و البته کارشناسان و دلسوزان محیط زیست ایران را هم کمی نگران کرد. مهمترین دلیل نگرانی این بود که سازمان حفاظت محیط زیست در بی‌خبری تمام به یکباره اعلام کرد که «ایران» در اسارت باردار شده است. اتفاقات بعدی را احتمالا می‌دانید. از ایران بـــه یـــسر به دنیا آمد که دو فرد از آنها در همان ماه ابتدایی به دلیل اشـــتباحات تیمارگر و عدم آمادگی لازم برای حفاظت از تولدیوزها از بین رفتند. تنها پیروز باقی ماند که به دست علیرضا شـــهرداری سپرده نشـــد و رابطه نزدیک این دو با هم برای خیلی از ایرانی‌ها مثل تماشای یک فیلم رمانتیک بود. با این حال تا روزی که در اسفند ۱۴۰۱ خبر رســـید که پیروز به بیمارستان منتقل شده باز هم از سوی سازمان هیچ اطلاع‌رسانی درباره مشکلات کوارشی پیروز نشد تا اینکه بعد از ۱۱ ماه معروف‌ترین یوزپلنگ ایرانی هم جان باخت. پیروز توانســـته بود در مدت زمان کوتاهی توجه گروه زیـــادی از ایرانی‌ها را به یکـــی از گونه‌های در حال انقراض دنیا جلب کند که احتمالا این مهم‌ترین دســـتاورد این پروژه است. اما در کنارش و در سایه غفلت یا بی‌عملی سازمان حفاظت محیط زیست مجموعه‌ای از داده‌های اشتباه هم به عموم مردم داده شد که می‌تواند کمی خطرناک باشد. گروه زیادی از مردم گمان می‌کنند که پیروز آخرین یوز باقی‌مانده ایرانی است و حالا با مرگش دیگر یوزی در ایران باقی نمانده است. این هم موجی از ناامیدی را در مردم ایجاد می‌کند و هم کمتر از ۴۰ فرد یوز باقی‌مانده ایرانی را به دست فراموشی می‌سپارد. یوزهایی که به صورت طبیعی در زیستگاه‌شان زندگـــی می‌کننـــد و بزرگ‌ترین امید ما برای حفظ بقای این گونه در طبیعت هســـتند. در واقع ما در ایران با یک مسئله ساده مواجه هستیم. یوزهای آسیایی یا ازدست‌دادن زیستگاه‌شان در دنیا تنها به زندگی در ایران محدود شده‌اند و از آن جمعیت بزرگ حالا کمتر از ۴۰ فرد در ایران و حوالی سمنان می‌خواهم بپذیرید با توجه به اهمیت وضعیت کنونی یوزهای آسیایی آیا تلاشی بین‌المللی برای حفاظت از یوزها انجام شده؟

کاملا با بخش اول حرف شـــما موافقم. در ســـازمان محیط زیست معمولا با تغییر دولت‌ها سیاســـت‌های کلی در زمینه اولویت‌های سازمان هم دســـتخوش تغییر می‌شود. این مسئله کلی‌ای در طول یک دولت و یا تغییر مدیران هم انجام می‌شود و این تغییر استراتژی‌ها به وضعیت شکننده یوزها در ایران آسیب جدی وارد می‌کند. گاهی ماه‌ها طول می‌کشـــد که یک مدیر جدید به اهمیت یک گونه یا اکوسیســـتم پی ببرد. این مســـئله مصیبت بـــار کـــه اهمیت حفاظت از برخی گونه‌هـــای در خطر انقراض را در معرض خطر در ســـال‌های مختلف با شـــدت و ضعف‌هایی همراه باشـــد. اما در خارج از ایران ســـازمان‌ها و کارشـــناس‌هایی هســـتند که کاملا یکپر ماجرا هستند و با دقت ابعاد آن را بررسی می‌کنند.

در اتحادیه جهانی حفاظت گروه‌هایی برای گونه‌ســـانان وجود دارد که به شـــدت پیگیر وضعیت یوزهای آسیایی در ایران هســـتند. البته در پنج، شش سال گذشـــته کســـی از اعضای این گروه به ایران نیامد اما پیش از این بارها به ایران سفرهای‌شـــان از پروژه‌هـــای حفاظـــت بازدیـــد و آن را ارزیابـــی می‌کردند. این کارشـــناسان اغلـــب بـــا پیگیـــر هســـتند و در حال حاضر هم در جریان تک‌تک اتفاقـــات مهمی که برای یوزهای ایران در این یوزها رخ می‌دهد قرار دارند. ولی متأســـفانه آن‌طور که باید سازمان حفاظت محیط زیســـت در همکاری با گروه‌ها را باز نکه نمی‌دارد و ارتباطات بین‌المللی در این زمینه بســـیار ضعیف اســـت. فقط چند نفر از کارشناسان ســـازمان هستند که با کارشناسان بین‌المللی ارتباطات محدودی دارند و این مســـئله موجب می‌شود کارها خوب پیش نرود. به هر حال در کار مهمی چون تشکیل و احیای گونه‌ای که ما چرخ را از ابتدا اختراع کنیم و با آزمون و خطا پیش برویم بلکه می‌توانیم از تجارب بین‌المللی و دانش جهانی در این زمینه کمک بگیریم. آن هم وقتی در چنین شرایطی قرار داریم که وضعیت یوزها فوق بحرانی اســـت. چون شاید در حالت خوش‌بینانه ۴۰ فرد یوز آســـیایی در دنیا باقی مانده باشد که فقط هم در ایران حضور دارند. در چنین شـــرایطی ما اصلا جایی برای خطا و اشتباه نداریم. با این حال می‌بینیم که در همین یک ســـال اخیر چند یوز را به دلیل ســـهل‌انگاری و عدم آمادگی از دست دادیم. اگر لیست اشتباهات رخداده در چنین محافظت شده، تهیه شود در ایران در ســـال‌های اخیر را ببینیم متوجه می‌شویم که انگار هیچ برنامه‌ای برای حفاظت از یوز وجود ندارد.

**● بهترین کاری که بـــرای حفاظت از یوز می‌توان انجام داد چیســـت؟ بهترین روش در میان گزینه‌های موجود از نظر شما چیست؟**

مهمترین کارهایی که برای حفاظت از یوز می‌توان انجام داد چند مورد اســـت که البته بارها و بارها هم به آن اشـــاره شده اســـت. ما در حال حاضر یک هســـته مرکزی جمعیت زاد در شـــمال ایران داریم کـــه در محدوده توران قرار می‌گیرد. این هســـته اصلی که همچنان زایاســـت و تنها منبعی اســـت که می‌توانند نســـل این گونه را افزایش دهد. برای همین باید به هر روشـــی که شـــده این هســـته را حفظ کرد و شـــرایط را برای آنها به شـــکلی ایجاد کرد که بتوانند در طبیعت زاد و ولد کنند. تمام امید ما در این منطقه این هســـته اســـت. برای همین باید عوامل مرگ‌ومیر را در این منطقه به صفر برســـانند. همه این عوامل همه الیه شناســـایی شـــده‌اند. مهم‌ترین شـــاخه دوم اســـت که در همین شـــش ماه اخیر و مورد تلفات جاده‌ای اســـتفاده کرد در هر دو مورد یوز ماده در جاده کشـــته شـــدند که یکی از یوزها ســـه توله‌یوز را هم باردار بود. آمارها را اگر ببینید، هر دو ســـال تقریبا یک یوز را در جاده‌ها از دســـت می‌دهیم و این در حالی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۴۰ فرد یوز داریم واقعا فاجعه‌بار اســـت. در حال حاضر با توجه به آســـیبی که جاده به جمعیت یوزها زده، می‌توان گفت که مهم‌ترین مســـئله در زمینه حفاظت یوزهاســـت و باید فکری برای آن شود. اما در نتیجه بی‌توجهی و تعلل می‌بینیم که هر ســـاله در این جاده‌ها یوزها را از دســـت می‌دهیم و هر بوزی که در جاده تلف می‌شود درصدی از جمعیت جهانی این یوزهاســـت که در معرض انقراض قرار دارند کم می‌شود.

در ســـال‌های بخش‌هایی از جاده فنـــس‌کشی شده که کار بسیار خوبی اســـت اما باید به صورت کامل انجام شود نه اینکه فقط بخشی از آن انجام شود و بقیه جاده را رها کنند. همین زیرگذرهایی برای یوزها تعبیه شـــده اما هیچ بایشی صورت نگرفته تا بفهمیم یوزها از این زیرگذرها تردد می‌کنند یا خیر. بعد از جاده دومین تهدید بزرگی کـــه یوزها را در این منطقه تهدیـــد می‌کند، موضوع دام و سگ‌هاســـت که اینکه در ســـال‌های اخیر به طرز فاجعه‌باری شـــیوع پیدا کرده و بر حال حاضر هم در جریان تک‌تک اتفاقـــات مهمی که برای یوزهای ایران در این یوزها رخ می‌دهد قرار دارند. ولی متأســـفانه آن‌طور که باید سازمان حفاظت محیط زیســـت در همکاری با گروه‌ها را باز نکه نمی‌دارد و ارتباطات بین‌المللی در این زمینه بســـیار ضعیف اســـت. فقط چند نفر از کارشناسان ســـازمان هستند که با کارشناسان بین‌المللی ارتباطات محدودی دارند و این مســـئله موجب می‌شود کارها خوب پیش نرود. به هر حال در کار مهمی چون تشکیل و احیای گونه‌ای که ما چرخ را از ابتدا اختراع کنیم و با آزمون و خطا پیش برویم بلکه می‌توانیم از تجارب بین‌المللی و دانش جهانی در این زمینه کمک بگیریم. آن هم وقتی در چنین شرایطی قرار داریم که وضعیت یوزها فوق بحرانی اســـت. چون شاید در حالت خوش‌بینانه ۴۰ فرد یوز آســـیایی در دنیا باقی مانده باشد که فقط هم در ایران حضور دارند. در چنین شـــرایطی ما اصلا جایی برای خطا و اشتباه نداریم. با این حال می‌بینیم که در همین یک ســـال اخیر چند یوز را به دلیل ســـهل‌انگاری و عدم آمادگی از دست دادیم. اگر لیست اشتباهات رخداده در چنین محافظت شده، تهیه شود در ایران در ســـال‌های اخیر را ببینیم متوجه می‌شویم که انگار هیچ برنامه‌ای برای حفاظت از یوز وجود ندارد.

**● بهترین کاری که بـــرای حفاظت از یوز می‌توان انجام داد چیســـت؟ بهترین روش در میان گزینه‌های موجود از نظر شما چیست؟**

**پنهان‌شدن پشت حرفه‌های بزرگ:** در شش ماه گذشته دو یوز ماده در جاده میامی جان باختند. اگر بـــه توله‌یوزی که در شـــکم یکی از این یوزها بود را هم به شـــمار بیاوریم در شـــش ماه اخیر پنـــج یوز را در جاده میامی از دســـت دادیم که حداقل می‌دانیم دو فـــرد از آنها ماده بودند. گفتن ندارد که در چنین شـــرایط بحرانی هر یک یوز باده چـــه اهمیت بزرگی برای حفظ این گونه دارد و ازدســـت‌دادن آنها در جاده‌ها چقدر ناشـــدبار اســـت. ایمن‌سازی جاده میامی که یکی از قتلگاه‌های بزرگ یوز در ایران اســـت یکی از همان مواردی اســـت که در ذیل پروژه «ایمن‌ســـازی زیستگاه یوز» باید انجام گیرد. پروژه‌ای که هر ســـاله درباره آن حرف زده می‌شود، وزارت راه و نیروی انتظامی به همکاری فراخوانده می‌شوند اما نتیجه‌اش تلف‌شدن مستمر یوزها در این جاده است. اگر جمعیت یوزهـــای آســـیایی باقی‌مانده دنیا را ۴۰۱ فرد در نظر بگیریم تنها پنـــج درصد از جمعیت جهانی این حیوان در شش ماه گذشته در جاده میامی تلف شده‌اند که بی‌شک فاجعه‌بار است. در یک سالی که جاده‌های این چنین قربانیانی از جامعه یوزها می‌گرفت، سازمان محیط زیست در حال انجام چه کاری بود؟ آنها تمرکز رسانه‌های‌شان را روی پروژه تکثیر در اسارت گذاشته بودند و حتی در آنجا هم درســـت عمل نمی‌کردند. هر از گاهی در بی فرقه‌هایی که در این مسیر زده می‌شد مثل شخصیت اول داســـان‌ها پیش می‌آمدند و شواگب می‌کردند و در وقت تنگی و بحران در بی‌خبری و سکوت به سر می‌بردند. شاید تصور اینکه ســـازمان حفاظت محیط زیســـت برنامه مدونی برای یوزها داشته باشد تصور اشـــتباهی باشد اما از همین وقت و هزینه اندک و فرصت‌هایی که بدید می‌آید هم می‌شد در جهت درست استفاده کرد اما گاهی برای مســـئولین عکس. بادکاری انداختن با بک توله‌یوز در اسارت مهم‌تر از ایمن‌ســـازی زیســـتگاه یوزهای باقی‌مانده در ایران است. بخشی از اطلاعات غلطی که در خلال کمپین تبلیغاتی تکثیر در اسارت و تولد پیروز به جامعه داده می‌شد هم همین بود که با دیدن تصاویر پیروز گاهی مردم گمان می‌کردند که حفاظت از یوزها در موقعیت مناســـبی قرار دارد. اگر از این فرصت استفاده می‌شد و درباره خطرات زیستگاه آنها اطلاع‌رسانی می‌شد شاید حداقل روی فرهنگ رانندگی در جاده میامی تاثیرگذار بود و شاهد چنین اتفاقات خســـارت‌باری در همین شش ماه نبودیم. کوتاه سخن اینکه تنها دارایی جهان از یوزهای آسیایی همین تعداد اندک و انگشت‌شماری اســـت که در ســـمنان زندگی می‌کنند. برای تداوم بقای این گونه باید زیستگاه‌ها برای آنها امن شود تا نتوانند در آب به صورت طبیعی زاد و ولد کنند و جمعیت‌شـــان را زیاد کنند. با این پیش‌فرض هر برنامه‌ای به جز ایمن‌ســـازی زیستگاه هدردادن وقت و انرژی و ســـرمایه است. آن هم در کشوری که ردیف بودجه سازمان محیط زیســـتش بســـیار ناچیز اســـت و قابل قیاس با مخارج این سازمان نیســـت. اگر کســـی در سازمان محیط زیســـت همچنان به پروژه‌هایی نظیر تکثیر در اسارت فکر می‌کند کافی اســـت از خودش این ســـؤال را بپرسد که در صورت موفقیت‌آمیزبودن این پروژه و زاد‌آوری یوزها در اسارت تولدهای حاصل از این پروژه در کدام زیستگاه قرار است زندگی کنند؟ پاسخ این ســـؤال همان چیزی اســـت که اولویت‌ها را در زمینه پناهی یوزها مشخص می‌کند.

**بازگشـــت دامدارها به زیســـتگاه:** یکی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌ها برای ایمن‌سازی تنها زیستگاه باقی‌مانده یوزها مســـئله «امیوری» در این دشت بزرگ است. سگ‌های گله یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای یوزها به شـــمار می‌آیند. همین چند هفته پیش بود که خبر رســـید چرای دام در زیستگاه یوز آســـیایی تمدید شده است. آنچنان که در خبرها آمده با وجود اینکه در پروانه‌های مرتع‌داری منطقه تورانِ تاریخ خروج دام از ســـامانه‌های عرفی بین ۱۵ تا ۲۰ فروردین درج شده است، اما اصـــال شورای عشایری استان سمنان به دامداران اجازه داده است که تا ۳۰ فروردین گله‌های خود را در این مرتع قشلاقی که از قضا مهم‌ترین زیستگاه یوزپلنگ آسیایی در سطح جهان محســـوب می‌شود، نگه دارند. در این میان اظهارات مدیرکل منابع طبیعی ســـمنان حاکی از آن اســـت که به دلیل مرغوب‌بودن و حســـاسیت ویژه مراتع ییلاقی این اســـتان، در ســـال جاری تصمیم گرفته شده اســـت که خروج دام از مراتع قشـــلاقی از جمله مرتع توران با تاخیر انجام شـــود تا گله‌های دام زودتر از موعد به ییلاقات نرســـند. البته مدیرکل حفاظت محیط زیســـت ســـمنان تاکید دارد که تا ۳۰ فروردین، دامداران باید گله‌های خود را به طور کامل از ســـامانه‌های عرفی و حتی ایل‌راه‌های مناطق حفاظت‌شده استان خارج کنند. کارشناســـان حیات وحش معتقدند که حضور گله‌های دام در زیســـتگاه‌های یوزپلنگ ایرانی حتی در شـــرایط عادی نیز جمعیت این گونه را تهدید می‌کند. چه رســـد به اینکه حضور این گله‌ها بیش از موعد مقرر نیز تمدید شـــود. به‌خصوص در زمان حاضر که در آســـتانه فصل زاد‌آوری حیـــات وحش قرار گرفته‌اند و یوزهای ماده باردار آماده بـــه دنیا آوردن توله‌های خود در طبیعت هســـتند. در این میان یکی از مهم‌ترین آســـیب‌های ناشـــی از حضور گله‌های دام در زیســـتگاه‌های یوزپلنگ، سگ‌های گله هســـتند که هم بعضا بر سر طعمه با یوزهای درگیر می‌شوند و هم امکان آســـیب‌دیدن تولدهای یوزپلنگ بر از حمله این سگ‌ها وجود دارد. همچنین مطابق نظر کارشناسان حیات وحش، چرای دام در زیســـتگاه‌های یوزپلنگ باعث کاهش میزان علوفه در دســـترس برای گونه‌های علفخوار حیات وحش می‌شـــود و وقتی هم که غذای مورد نیاز علفخواران کمتر شـــود، رفته‌رفته جمعیت آنهـــا در مراتع نیز کاهش خواهد یافت. کاهـــش جمعیت گونه‌های علفخوار به عنوان طعمه کوشتخواران در زیســـتگاه‌ها نیز می‌تواند زمینه را برای تهدید جمعیت گونه‌های کوشتخوار حیات وحش فراهم کند. در این میان به‌خصوص گونه یوزپلنگ آسیایی که هم جمعیت آن در دهه‌های اخیر به شـــدت کاهش یافته و هم به دلیل شرایط فیزیولوژیکی در شکار طعمه‌ها بعضا در رقابت با دیگر کوشتخواران شکست می‌خورد. بیش از سایر گونه‌های کوشتخوار از حضور گله‌های دام در منطقه توران آسیب می‌بیند.

**یوزهادربلاتکلیفی:** اگر سخنان رئیس و مسئولان بلندپایه سازمان حفاظت محیط زیست را در یک ســـال گذشته دنبال کنید، تمانی از حساسیت یا توجه ویژه به وضعیت یوزها در خلال صحبت‌های آنهـــا نمی‌بینید. در ایران چند گونه در لبه انقراض قرار دارند که یوز آســـیایی از معروف‌ترین‌هایش اســـت. نزدیک به ۳۰ ســـال اســـت که زیستگاه این حیوان فقط به ایران محدود می‌شود اما مجموعه تصمیم‌ها در این ســـال‌ها تنها نتیجه‌ای که داشته محدودشدن جمعیت یوزها بوده. حالا هم آمار دقیقی از وضعیت یوزها نداریم ولی احتمال داده می‌شود که کمتر از ۴۰ فرد یوز در ایران داشـــته باشیم. در حالی که تعداد یوزها به شدت کاهش یافته اما تصمیم‌های حفاظتی درباره آنها همچنان روال روزهای معمولی خود را طی می‌کند. جاده‌ها ایمن‌ســـازی نمی‌شوند و به دامدارها اجازه چرا در زیســـتگاه یوز داده می‌شود. در مقابل ســـازمان تلاش می‌کند با برنامه‌هایی که جنبه رسانه‌ای و نمایشی آنها بالاتر است مانند اسارت در تکثیر نشان دهد که به فکر یوزهاســـت. آنچه ما در این میدان مشاهده می‌کنیم کم‌کردن سرنشته معمای یوزهاســـت. اینکه با چه استراتژی و برنامه‌ای باید یوزها را نجات داد و به تکثیر جمعیت‌شان کمک کرد.

آرش قدوسی، پژوهشگر دانشگاه هوموبولت برلین
عضو گروه تخصصی گربه‌سانان اتحادیه جهانی حفاظت IUCN
در گفت‌وگو با «شرق»:

# نتیجه پشت‌کردن به تجربه‌های جهانی

**سامان موحدی‌راد:** مرگ دردناک پیروز در اسفند سال ۱۴۰۱ بار دیگر توجه‌های عمومی را به یوزها جلب کرد. یکی از سه کونه در لبه انقراض ایرانی که در ســـال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای حفظ گونه‌اش انجام شـــد ولی حجم اخبار منفی درباره آن از اخبار مثبت بیشـــتر بود. نمونه آخرش ماجرای بارداری و زایمان ایران بود که به مرگ هر ســـه پـــرش در ســـال ۱۴۰۱ منجر شـــد. مرگ پیروز اما بار دیگر بحث‌هایی در میان کارشناسان محیط‌زیســـتی درباره پروژه تکثیر در اسارت و برنامه‌ها برای حفاظت از یوز ایجاد کرد. به ویژه اینکه چند هفته بعد از مرگ پیروز دو خبر مهم درباره یوزها منتشر شد که به اندازه مرگ پیروز در مرکز توجه‌ها قرار نگرفت. یکی اینکه یک یوز ماده باردار در جاده میامی و در اثر تصادف کشته شد و دیگر اینکه بعد از ســـال‌ها بار دیگر یوزی در اصفهان دیده شد که نشان می‌دهد این کربه‌سان آسیایی در حال گسترش زیستگاهش است. در گفت‌وگویی با آرش قدوســـی، پژوهشگر دانشـــگاه هوموبولت برلین، عضو گروه تخصصی کربه‌ســـانان اتحادیه جهانی حفاظت IUCN نگاهی داریم به آخرین وضعیت یوزها در ایران و پروژه‌های حفاظت از آن.

**● برای حفاظت از یوز چند پلن وجود دارد که حالا یکی از آنها تکثیر در ســـارت است؟**

با توجه به وضعیتی که در ۲۰ ســـال اخیر با آن در زمینه حیات یوزها مواجه بودیم برنامه‌های مختلفی تدوین شده است. البته خیلی از این برنامه‌ها در حد طرح باقی مانده و اجرائی نشـــده است. خیلی از کارهایی که در ابتدا انجام شد اقدامات و مطالعاتی درخصوص بررسی وضعیت زیستگاه و همچنین شناسایی زیستگاه‌های جدید بود. در این راســـتا بود که برخی مطالعاتِ حفظ‌شده جدید به عنوان زیستگاه‌های جدید هم تاســـیس شـــد. نتیجه مثلا چنین بود که انتظار می‌رفت. هنوز هم دلیل این رویداد برای ما منـــشخص نیســـت اما به هر دلیل تعداد یوزها در زیســـتگاه‌ها در ســـال‌های اخیر روند کاهشـــی پیدا کردند. همین روند کاهشـــی هم موجب شد تا برنامه‌هایی برای حفاظت خارج از زیستگاه هم برای اولین بار مطرح شـــود. اگر به برنامه‌های حفاظت از یوز در ایران نگاه کنیم می‌بینیم حفاظت خارج از زیســـتگاه هیچ‌گاه اولویت اول برای حفاظت از یوز در ایران نبوده اما از یک جایی به بعد در لیســـت برنامه‌هایی با اولویت بالا قرار گرفته اســـت. با چنین پیش‌زمینه‌ای می‌بینیم که برنامه حفاظت از یوز در خارج از زیســـتگاه در چند ســـال اخیر با تاکید فراوان و برنامه رسانه‌ای مفصل در حال انجام اســـت. متأســـفانه همان‌طور هم که پیش‌بینی می‌شد ماجرای حفاظت از یوز خارج از زیستگاه طبیعی‌اش تا اینجای کار درســـت پیش نرفته و الگو برخاهیم منطقـــی نگاه کنیم بـــالان این پروژه حتی منفی هم شـــده. چراکه در نتیجه این برنامـــه در حال حاضر ما بـــک یوز نر را هم از طبیعت گـــرده‌ایم. در واقع تا اینجای کار نه تنها از پروژه تکثیر در اســـارت زادگانی نداشـــتیم که یک یوز را هم حـــذف کرده‌ایم. اما پیش از اینکه پـــروژه تکثیر در اســـارت روی میز قرار بگیرد یکی از آخرین کارهایی که برای حفاظت از یوز انجام شـــد یک کار مشـــارکتی با همراهی گروه متخصصین کربه‌ســـانان IUCN و همکاری کارشناسان استان‌ها، مدیران مناطق و... بود. در آن برنامه مشارکتی یک لیستی از مهم‌ترین کارهای با اولویت بالا برای حفاظت از یوز تدوین شد.

**● هدف از اجرای یک برنامه تکثیر در اسارت چیســـت و آیا یوزهای حاصل از این پروژه قابلیت زندگی نرمال در طبیعت و تکثیر را دارند یا خیر؟**

پروژه‌های موفقی در دنیا درباره تکثیر گوشـــتخواران در اســـارت داشـــیم. اما عمده این پروژه‌ها در یک شل کوچک انجام شـــده بودند یا تبدیل شـــده به پـــارک خاصی راهـــازی شـــده بودند. مثلا رادکان این پروژه‌ها را در مناطق فنس‌کشی‌شده یا بدون حضور ســـایر کوشـــتخواران و یا حضور پرتعداد طعمه رها می‌کردند. اما هیچ کدام از این شرایط بادشـــده شـــرایطی نیست که زیستگاه‌ها ما الان دارند. در واقع فرض اینکه زادگان احیائی برنامه تکثیر در اســـارت بتوانند در طبیعت مســـتقلا زندگی کنند یا امکانات، تجربیات و علمی که الان در کشور وجود دارد مقداری بعید به نظر می‌رســـد. برای همین هم از ابتدای کار مقداری شک و شبهه درخصوص امکان‌پذیربودن آن وجود داشـــت. در عمل و در شرایط ایدئال پاسخ به سؤال شما بله است اما با بررسی داشته‌های حال حاضرمان کار کمی سخت و دشوار به نظر می‌رسد.

اگر بخواهم با مثالی این مســـئله را توضیح دهم باید به کاری که روسیه برای تکثیر پلنگ ایرانی شروع کرد اشاره کنم. متخصصان این پروژه چند پلنگ از ایران توجهی نشده ندارد. برای اینکه این تهدید را هم برطرف کنیم اولا باید شکار غیرمجاز را در منطقه به صفر برســـانیم تـــا از کاهش جمعیت آهوها جلوگیری کنیـــم و در مرحله بعـــد حتی می‌توان به ایده‌هایی چون انتقال آهوســـان‌ها در شـــرایط اضطراری به منطقه هم فکر کرد. همه اینها برنامه‌هایی اســـت که برای حفاظت از زیســـتگاه می‌توان برنامه‌ریزی کرد. چون حتی اگـــر پروانه تکثیر در اســـارت را به بهترین شـــکل هم انجام دهیم و گونه‌های یـــوز را افزایش دهیم دیگر زیســـتگاهی برای این حیـــوان نداریم که بتواند در ایـــن محیط زندگی کند. اینها چندتا از مهم‌ترین تهدیدهای یوزها هســـتند که باید خیلی ســـریع آنها را به طور برســـانیم و اینها می‌تواند در صدر لیســـت مهم‌ترین برنامه‌ها برای حفاظت از یوز باشد.

**● ما هیچ برآوردی داریم که از یوزهای باقی‌مانده چند فرد ماده هســـتند؟**

خیر. هیچ آماری در این زمینه نداریم. تنها چیزی که می‌دانیم این اســـت که هر سال دو یا ســـه خانواده یوز در همین منطقه توران شناسایی می‌شوند که تنها اینها ما برای بقای یوز همین‌ها هســـتند. ما واقعا مطمئن نیســـتیم ولی الان مثلا ۴۰ فرد یوز داشـــته باشیم احتمالا ۱۰ فرد آنها ماده باشند که تنها اینها ما برای تکثیر و بقای یوزها هســـتند. این البته در آفریقا هم مشـــاهده شده که ماده‌ها برای بقا و زنده نگه‌داشـــتن توله‌ها قوی‌تر هســـتند و بهتر عمل می‌کنند و واقعا تأسف‌بار اســـت که در چنین شرایطی یوز ماده‌ای را در تصادف جاده‌ای از دســـت بدهیم. از دست دادن یک یوز ماده همه بقای این گونه را به خیـــر تصادفی از بین می‌برد چراکه هر فرد ماده می‌تواند خود فرد یوز به طبیعت هدیه بدهد.

**● وال گشـــته ما یک پروژه بـــرســـوده‌ای تکثیر در اسارت را راه‌اندازی کرد اما به یک مرگ دردناک پیروز ختم شـــد. مهم‌ترین انتقاداتی را که به پروژه پیروز وارد است چه می‌دانید؟**

انتقادها در این زمینه زیاد اســـت و ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. چه از نظر تکنیکی و چه از نظر دامپزشکی به شیوه تکثیر در اسارت انتقادهایی وارد اســـت. حتی شـــیوه اطلاع‌رســـانی این پروژه‌ها هم با انتقادهایی همراه اســـت. در مجموع هم می‌توان گفت در همه این زمینه‌ها هم ســـازمان نمـــره قبولی در این پروژه نگرفـــت. اولین اقم این پروژه که با جداســـازی یک فرد از طبیعت بود بزرگ‌ترین اشتباه این پروژه به حســـاب می‌آید و واقعا شـــبیه به این اســـت که به پای خودمان شـــلیک کردیم. چراکه در واقع یکـــی از نرهای غالب منطقه را از طبیعت حذف کردیم آن هم برای پروژه‌ای که موفقیتش هیچ کارآیندی نداشـــت و ای بسا این نر در طبیعت می‌توانســـت به صورت طبیعی توله‌هایی داشـــته باشد. در حالی که می‌توانســـتیم اســـیرم نر را بگیریم و حیوان را سریع رهـــازی کنیم و آن را در اســـارت نگه نداریم. با اینکه از روش‌های لقاح مصنوعی استفاده کنیم چون به اســـیرم یوزهایی که در تصادف‌های جاده‌ای کشـــته شدند دسترسی نداریم. از ســـوی دیگر از لحاظ دامپزشکی هم هیچ پروتکلی در نظر گرفته نشده بود. هیچ درخت تصمیم‌گیری وجود نداشـــت که در صـــورت رخ‌دادن اتفاق الف چه باید بکنیـــم و در صورت رخ‌دادن اتفاق ب بایـــد چه تصمیمی بگیریم. البته انتظاری هم نمی‌رفت چون کســـی در ایران چنین کاری نکرده بود و تلاشی هم نشده بود تـــا از متخصصان بین‌المللـــی که مثلا در آفریقا ایـــن کار را انجام داده‌اند کمک گرفته شـــود. متأســـفانه رقابت‌ها و حســـادت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، موجب شد که چنین اتفاقی رخ بدهد. همان‌طور که در بالا اشاره کردم نهادهای بین‌المللـــی زیادی وجود دارند که در این زمینـــه تجربه‌های قابل اتکایی دارند. مثلا CCF با انجمن جهانی حفاظت از زرافه‌ها یا اســـم انسان وجود داشـــت که بسیار مصبوب بود. اما برای خارج کشور تجمع لازم بود این تجربه‌ها را مدعوم کنند که تصمیم درستی بود اما به دلیل این نام‌گذاری و انسان‌پنداری با حیات وحش بـــا واکنش‌های منفی زیادی مواجه شـــد. با اینکه کار از نظر علمی توجیه شده بود اما جامعه علیه آنها موضع‌گیری کرد و جنجالی به پا شـــد. مـــن البته نمی‌دانم این واژه ســـلبریتی‌ســـازی چقدر درســـت اســـت اما اگر چنین واژه‌ای داشته باشیم بایـــد در حیات وحش گمـــی درباره‌اش با دقـــت اقدام کنیم تا بـــا اثرات منفی مواجه نشـــود. البته مـــن در ماجرای پیروز بلایا کار را مثبت می‌دانم چون پروژه یـــک آگاهـــی عمومی بالا نســـبت به یوز آسیایی شد.

**● پروژه‌ای که برای حفاظت از یوز در ایران باید انجام گیرد چیســـت؟**

پروژه‌ای که برای حفاظت از یوز می‌تواند انجام داد چند مورد اســـت که البته بارها و بارها هم به آن اشـــاره شده اســـت. ما در حال حاضر یک هســـته مرکزی جمعیت زایا در شـــمال ایران داریم کـــه در محدوده توران قرار می‌گیرد. این هســـته اصلی که همچنان زایاســـت و تنها منبعی اســـت که می‌توانند نســـل این گونه را افزایش دهد. برای همین باید به هر روشـــی که شـــده این هســـته را حفظ کرد و شـــرایط را برای آنها به شـــکلی ایجاد کرد که بتوانند در طبیعت زاد و ولد کنند. تمام امید ما در این منطقه این هســـته اســـت. برای همین باید عوامل مرگ‌ومیر را در این منطقه به صفر برســـانند. همه این عوامل همه الیه شناســـایی شـــده‌اند. مهم‌ترین شـــاخه دوم اســـت که در همین شـــش ماه اخیر و مورد تلفات جاده‌ای اســـتفاده کرد در هر دو مورد یوز ماده در جاده کشـــته شـــدند که یکی از یوزها ســـه توله‌یوز را هم باردار بود. آمارها را اگر ببینید، هر دو ســـال تقریبا یک یوز را در جاده‌ها از دســـت می‌دهیم و این در حالی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۴۰ فرد یوز داریم واقعا فاجعه‌بار اســـت. در حال حاضر با توجه به آســـیبی که جاده به جمعیت یوزها زده، می‌توان گفت که مهم‌ترین مســـئله در زمینه حفاظت یوزهاســـت و باید فکری برای آن شود. اما در نتیجه بی‌توجهی و تعلل می‌بینیم که هر ســـاله در این جاده‌ها یوزها را از دســـت می‌دهیم و هر بوزی که در جاده تلف می‌شود درصدی از جمعیت جهانی این یوزهاســـت که در معرض انقراض قرار دارند کم می‌شود.

**● بهترین کاری کـــه بـــرای حفاظت از یوز می‌توان انجام داد چیســـت؟ بهترین روش در میان گزینه‌های موجود از نظر شما چیست؟**

مهمترین کارهایی که برای حفاظت از یوز می‌توان انجام داد چند مورد اســـت که البته بارها و بارها هم به آن اشـــاره شده اســـت. ما در حال حاضر یک هســـته مرکزی جمعیت زایا در شـــمال ایران داریم کـــه در محدوده توران قرار می‌گیرد. این هســـته اصلی که همچنان زایاســـت و تنها منبعی اســـت که می‌توانند نســـل این گونه را افزایش دهد. برای همین باید به هر روشـــی که شـــده این هســـته را حفظ کرد و شـــرایط را برای آنها به شـــکلی ایجاد کرد که بتوانند در طبیعت زاد و ولد کنند. تمام امید ما در این منطقه این هســـته اســـت. برای همین باید عوامل مرگ‌ومیر را در این منطقه به صفر برســـانند. همه این عوامل همه الیه شناســـایی شـــده‌اند. مهم‌ترین شـــاخه دوم اســـت که در همین شـــش ماه اخیر و مورد تلفات جاده‌ای اســـتفاده کرد در هر دو مورد یوز ماده در جاده کشـــته شـــدند که یکی از یوزها ســـه توله‌یوز را هم باردار بود. آمارها را اگر ببینید، هر دو ســـال تقریبا یک یوز را در جاده‌ها از دســـت می‌دهیم و این در حالی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۴۰ فرد یوز داریم واقعا فاجعه‌بار اســـت. در حال حاضر با توجه به آســـیبی که جاده به جمعیت یوزها زده، می‌توان گفت که مهم‌ترین مســـئله در زمینه حفاظت یوزهاســـت و باید فکری برای آن شود. اما در نتیجه بی‌توجهی و تعلل می‌بینیم که هر ســـاله در این جاده‌ها یوزها را از دســـت می‌دهیم و هر بوزی که در جاده تلف می‌شود درصدی از جمعیت جهانی این یوزهاســـت که در معرض انقراض قرار دارند کم می‌شود.

**● هدف از اجرای یک برنامه تکثیر در اسارت چیســـت و آیا یوزهای حاصل از این پروژه قابلیت زندگی نرمال در طبیعت و تکثیر را دارند یا خیر؟**

پروژه‌های موفقی در دنیا درباره تکثیر گوشـــتخواران در اســـارت داشـــیم. اما عمده این پروژه‌ها در یک اشل کوچک انجام شـــده بودند یا تبدیل شـــده به پـــارک خاصی راهـــازی شـــده بودند. مثلا رادکان این پروژه‌ها را در مناطق فنس‌کشی‌شده یا بدون حضور ســـایر کوشـــتخواران و یا حضور پرتعداد طعمه رها می‌کردند. اما هیچ کدام از این شرایط بادشـــده شـــرایطی نیست که زیستگاه‌ها ما الان دارند. در واقع فرض اینکه زادگان احیائی برنامه تکثیر در اســـارت بتوانند در طبیعت مســـتقلا زندگی کنند یا امکانات، تجربیات و علمی که الان در کشور وجود دارد مقداری بعید به نظر می‌رســـد. برای همین هم از ابتدای کار مقداری شک و شبه